

قدرت خط

آثار دبیری را ساده و مینی‌مال کرده است



سوراب هادی
نقاش و گرافیکست

آقای بهرام دبیری از چهره‌های مؤثر و تأثیرگذار نقاشی معاصر ایران هستند. قبل از هر چیز باید بگوییم که دبیری بیشتر اهل سکوت است و با کارش شناخته می‌شود و کمتر در فضای کلام حضور دارد. اینکه به کار پرداخته و کار کرده و توانسته در امروز ایران راهی را برای نقاشی معاصر گشوده باشد و نشانه‌شناسی آثارش به زمینه بنیان‌های فکری اسطوره‌ای ایران برمی‌گردد و در این زمینه نشانه‌های سلحشوری، عبور بودن و آزادی‌گری ایران در آثار دبیری همیشه مدنظر بوده است. از این بابت می‌توان گفت که یک نوع نگاه تازه به این مفاهیم داشته است و از جنبه تکنیک هم بیشتر به ایجاز و مینی‌مال توجه دارد. آخرین نمایشگاهی که از او دیدم حدود یک ماه پیش در گالری نشان بود.

عموماً آقای دبیری به صورت تک پرتره و به صورت توجه به شناخت شخصیت درونی پرتره کار می‌کند و پیوستگی انسان با طبیعت و پیرامونش هم از ویژگی‌هایی است که در کارهای ایشان می‌توان دید که انسان را جدا از محیط و اقلیمش نمی‌بیند و در واقع خط به عنوان یک عنصر بیانگر در کارهای ایشان همیشه وجود دارد و قدرت خط، موجب می‌شود که به جنبه سادگی و بیان خیلی مینی‌مال در کارهایشان برسند.

رنگ را هم بسیار مختصر و تمپلالت استفاده می‌کنند. عموماً در کارهایشان پرهیز از پرسپکتیو دارند که نشانگر این است که یک نگاه بن‌مایه‌ای به نوع نقاشی کلاسیک ایران دارند که همان نگارگری است و در واقع ساختارهای مینیاتوری در آثار کلاسیک هنر تجسمی ایران است. درباره سبک هم باید بگوییم که اصولاً موضوعی با عنوان سبک در نقاشی که شاخص فرد باشد، نداریم. اینها زاینده دوره‌های تحول هنر نقاشی و هنر تجسمی هستند و می‌توانم بگویم که عموماً پیدا کردن مترتال و یک نوع وسیله که بتواند بین یک شیء اثرگذار و یک شیء اثرپذیر ارتباط ایجاد کند و همچنین پیدا کردن آن مترتال الزاماً نه رنگ روغن و نه گواش و پاستل باشد. هر وسیله‌ای که نقاش بتواند از طریق کشف و شهود پیدا کند و خودش را احساس کند که از این طریق می‌تواند به دلیل ایجاد ارتباط بین شیء اثرگذار و اثرپذیر یعنی نوع آن مترتال و آن سطحی که روی آن طراحی می‌کند، یک حالت اختصاصی و منحصر به فرد از آن هنرمند را در نگاه مخاطب و دیگران ارائه دهد.



آقای دبیری در این جنبه هم موفقیت‌های قابل توجهی داشته‌اند که مترتال و نوع به کارگیری آن هم خاص خودش است. آثار دبیری بدیع و نو به نواست. دوره‌های کاری که از او دیدم، هم از جنبه تفکر و نگاه به موضوع و هم از جنبه ارائه تکنیک تازه در کارهایش، هر نمایشگاهی از او برای من تازگی خاص خود را داشته است.

آقای دبیری از جمله نقاشانی است که به حقیقت رنگ در آثارش پرداخته و در نهایت سادگی را به‌عنوان عنصر اساسی طراحی و نقاشی در کارش یک اصل اساسی می‌بیند. او کمتر از فضاهایی در قالب‌های چندلایه‌ای، چند بعدی و لایه‌های پرسپکتیو استفاده می‌کند.

به گونه‌ای می‌توان گفت پیوندی در کارهای آقای دبیری بین نقاشی و گرافیک وجود دارد. بن‌مایه‌های گرافیکی را می‌توان به خاطر اختصاریهایی که در کار ایشان می‌بینیم به آثارش نسبت داد. دبیری می‌تواند حالت ایجاز و اختصار را در آثارش بیان کند و در حقیقت قدرت و حضور پررنگی را برای خود ایجاد کرده است.

عموماً نقاشان سعی می‌کنند به مناظر و مرایا و به پرسپکتیو توجه کنند. این موضوع در کارهایی که ساختار گرافیکی داشته باشد، خیلی تخت و تمپلالت است و عموماً وقتی در نقاشی به اختصار نزدیک شویم و رنگ‌ها را در قالب تمپلالت و بدون پرسپکتیو و بعد مکان در نظر بگیریم، ویژگی خاصی است که جرأت بالایی می‌خواهد که حداقل نقاشی حرکت کنیم و یک اثر نقاشی را ارائه دهیم.



عکاس: ناصر پیکشام

گفت‌وگو با بهرام دبیری به بهانه نمایشگاه جدیدش «آدم‌ها و افسانه‌ها»

پیوندی سهل میان آدم‌ها و افسانه‌ها

مریم سادات گوشه
خبرنگار

«آدم‌ها و افسانه‌ها» آدم‌های بهرام دبیری است که با افسانه‌ها پیوند خورده است. پیوندی از نوع خطوط نقاشی آن‌هم به شیوه‌ای که برخی استادان از آن به عنوان سهل و ممتنع یاد می‌کنند. شیوه‌ای که برای استادانی همچون سعدی شیرازی به کار برده‌اند و بعدها در زمانه ما غلامحسین ساعدی هم به نوعی به این سبک و ساق وفادار بود و اکنون هم بیش از نیم قرن است که در آثار بهرام دبیری آن را می‌بینیم. نقاشی‌هایی که آدم‌ها را به اعماق داستان‌ها و افسانه‌ها می‌برد. با ایجازهایی پر از نشانه که هر یک نماد یک چیز است. چیزهایی که خالقش هنرمندی پیشکسوت است که ۵۰ سال اثر خلق کرده و با آنها زیسته و حالا هر کس به آن تابلوها نگاه می‌کند انگار خود را در آن جست و جو می‌کند. و به نوعی با آن تابلوها همدات بنداری می‌کند. محور خلق آثار دبیری آدم‌ها هستند. گرچه حیوانات هم در آثار او پدیدارند اما مرکز توجه او به آدم است. آدمی که حالا در نمایشگاه «آدم‌ها و افسانه‌ها» رخ نمایانده و تا ۲۷ اسفند ماه در نگارخانه ویژه به انتظار مخاطبان است. گفت‌وگوی حاضر با بهرام دبیری مروری است بر پیوند آدم‌ها و افسانه‌ها که با هم می‌خوانیم.

■ از اسم نمایشگاه شروع کنیم، چرا نام آدم‌ها و افسانه‌ها را برای این نمایشگاه انتخاب کردید؟
این اسم را آقای امرالله فرهادی انتخاب کردند. این اسم مربوط به کتابی با همین عنوان است. من سال ۸۲ مصاحبه طولانی‌ای درباره همه هنرها داشتم که در نهایت نشر چشمه هم این کتاب را به چاپ رساند. من هم نامش را «آدم‌ها و افسانه‌ها» گذاشتم. آقای فرهادی هم دیدند که این نام برای این نمایشگاه مناسب است و آن را انتخاب کردند.

■ درباره رابطه آدم‌ها و افسانه‌های آثارتان توضیح دهید؟ آیا این آدم‌ها بازگوکننده افسانه‌هایی هستند که در ادبیات کهن ما و دنیا وجود دارد؟

همه اینها هست. اینکه هر آدمی برای خود و زندگی‌اش افسانه‌ای دارد و اصولاً زندگی آدمیزاد روی این کره بیشتر به افسانه شبیه است با همه شادی‌ها و تراژدی‌ها،

کارهای من بوده است. اینکه دلیلش چیست؟ خدا می‌داند. اما یکی از دلایل این است که اگر تمام تاریخ هنر در جهان را ببینید بالاترین درصد آثار با موضوع زن است. ممکن است به این دلیل باشد که زن زندگی، عشق و مادر است و به هر حال زن برای من همیشه به دلایل بسیار زیاد مسأله مهمی بوده است. اما اصولاً این جذابیت برای نقاشی و بیان روان‌تر است. من اصولاً پیکر انسان را نقاشی می‌کنم. موضوع من فیگوراتیو آدم است. زن محور اصلی است. ولی تنها او نیست. نقاشی من در این پنجاه سال بیان تازه‌ای دارد و نمی‌خواهم برای آن لغت مدرن استفاده کنم. چون لغت مشکوکی می‌دانم و در زبان فارسی و لاتین تعریف دقیقی از آن نداریم. هر کس چیزی می‌گوید. من در واقع با بهره‌مندی از تمام تاریخ هنر ایران و اگر ضرورتی بوده هر جای جهان بهره‌مند شدم. مثلاً وقتی خروسی را با چند خط طراحی می‌کنم و مردم دوستش دارند این طراحی من از یک خروس کار تازه‌ای است. اما به یک اعتبار هیچ چیزی در این جهان تازه نیست.

اگر به طراحی‌های روی سفال‌های سیلک کاشان یا تاریخ کهن تصویری ایران نگاه کنید، می‌بینید با دو سه کمان یک بز طراحی شده است. این چیزی است که چهار هزار سال بعد با این نوع نگاه به طبیعت پیکاسو به آن می‌رسد. آن هم با دیدن هنر آفریقا. یعنی از دیدن من تاریخ هنر یک رودخانه به هم پیوسته است. از اولین نقاشی‌های روی دیوار غار گرفته تا به امروز. اگر اصالتی در دوره‌های می‌بینیم براین

”

من به لغتی به نام سبک

باور ندارم. بخصوص در

انواع شلخته بازی‌هایی

که در هنر می‌شود، هر روز

یک اسمی به عنوان سبک

مطرح می‌کنند. من چنین

لغتی را استفاده نمی‌کنم.

هویت یک هنرمند، خطی

که از او می‌شناسیم یا

جهانی که او بیان می‌کند

برای شناسایی هنرش برای

من کافی است. در نتیجه

سبک یک مقوله‌ای است

که اگر بخواهیم درباره‌اش

حرف بزنیم بحث بسیار

مفصلی است که در این

مقوله نمی‌گنجد

اساس است که پیوندی با تاریخ چند ده هزار ساله دارد.

■ درباره حیوانات در آثارتان توضیح دهید؟ اسب، خروس و حیوانات دیگری که خلق کرده‌اید. نماد چیست؟

چیزها یا اشخاص دیگری که در تابلوی من وجود دارند باز هم به معنای همان موجوداتی هستند که در تاریخ هنر و در تاریخ افسانه‌های من حضور داشتند. مثل گاو که از شعر فردوسی با گاوزبین شروع می‌شود. یا اسب که در افسانه خسرو و شیرین با نام شبدبیز دیده می‌شود. یا خروس که نماد روز و روشنائی و صبح است. یا کبوتر یا ققنه‌های گندم یا دسته گل‌های وحشی یا ماهی. اینها موجوداتی روی زمین هستند که برای من جذاب بودند. و من خواسته‌ام تا حرف‌هایم را با این نشانه‌شناسی بیان کنم.

■ درباره آدم‌های آثارتان که در کنار حیوانات هستند توضیح بیشتری بدهید.



در طبیعت و زمین هم همین‌طور است، آدم سوار اسب می‌شود. یا می‌بینید که زن‌ها به مرغ و خروس‌ها دانه می‌دهند و نیز شیر گاو را می‌دوشند. این طبیعی است که آدم با حیوانات در ارتباط است و اینها موضوعات زندگی است. اینها مهم‌ترین موجوداتی هستند که اهلی شدند و در کنار انسان زندگی کرده‌اند. و در هنر هم در کنار انسان هستند.

اینها نشانه‌ها هستند. شما وقتی برای کودکان قصه می‌گویید از حیوانات حرف می‌زنید. ما با حیوانات پیوند داریم. پیوند بسیار نزدیکی هم داریم. از طریق حیوانات به زندگی ادامه می‌دهیم و از آنها نگهداری می‌کنیم و بهره‌مند می‌شویم و گاهی شکوهشان را ستایش می‌کنیم. از طرفی علاقه‌مندم که در نقاشی به مقوله تصویری پایبند باشم و خیلی در جست و جوی ادبیاتش نباشم.

■ کارشناسان هنری آثار شما را سهل و ممتنع ارزیابی می‌کنند. وقتی از عبارات سهل و ممتنع استفاده می‌شود ناخودآگاه به یاد گلستان سعدی می‌افتیم. نظراتان درباره چیست؟ و سبک آثارتان را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

من به لغتی به نام سبک باور ندارم. بخصوص در قرن بیستم که به برکت انواع شلخته بازی‌هایی که در هنر می‌شود، هر روز یک اسمی به‌عنوان سبک مطرح می‌کنند. من چنین لغتی را استفاده نمی‌کنم. هویت یک هنرمند، خطی که از او می‌شناسیم یا جهانی که او بیان می‌کند برای شناسایی هنرش برای من کافی است. در نتیجه سبک یک مقوله‌ای است که اگر بخواهیم درباره‌اش حرف بزنیم بحث بسیار مفصلی است که در این مقوله نمی‌گنجد. اینکه درباره آثار من می‌گویند که سهل و ممتنع است و گاهی با حافظ و سعدی مقایسه می‌شود. این را دوست دارم بشنوم چون در شیراز به دنیا آمده و بزرگ شده‌ام. زندگی من در تخت جمشید و حافظیه و سعدی گذشته و تمام شعرها و افسانه‌ها و بیوی گل‌هایی که هنوز برای من محترمند، خاطرات کودکی من از شیراز است.

ماندگاری افسانه یا ناپایداری واقعیت؟

بهرام دبیری از ابتدا تا کنون نوشتم. برخی صحبت‌های بزرگان را هم که پیش از این درباره آثار ایشان مطرح کرده بودند از یکی از کتاب‌های آقای دبیری که چند سال پیش چاپ شده بود، استخراج کردم و با نظر خودشان در کتاب گنجانیدم. بزرگانی همچون غلامحسین سعدی، محمود دولت‌آبادی و... تمامی این ۲۱ اثر به شکل تک‌رنگ مشکی با کیفیت فوق‌العاده عالی چاپ شد و بهترین مقوا و کاغذ را برایش انتخاب کردم همچنین بهترین صحافی کتاب‌ها را آقای دبیری شماره‌گذاری و امضا کردند. اگر بخواهم راجع به آثار دبیری حرف بزنم باید بگویم موضوع و محور اصلی کار ایشان آدم‌ها هستند. موضوع این نمایشگاه هم به پیشنهاد ایشان بود و در حقیقت برگرفته از آثاری بود که در یکی از کتاب‌های ایشان قبلاً به چاپ رسیده بود. به قول آقای پاکباز در دنیای دبیری چه چیزی را می‌توان باور داشت؟ ماندگاری افسانه یا ناپایداری واقعیت؟ اگر بخواهم درباره آدم‌های تابلوهای او حرف بزنم شاید به جمله احمد رضا احمدی بسنده کنم که صورت‌ها و چهره‌های زنان او از تابلو بیرون آمده‌اند و در میان آن‌ها رنگ بهترین کیفیت ممکن

این دومین پروژه‌ای است که از سری پروژه‌های بازتولید آثار هنری برخی از هنرمندان عزیز را به اتفاق آقای مجید عباسی و مصطفی عباس‌زاده انجام دادیم. کار را از سال پیش شروع کردیم و از بین ۶۰ اثر آقای دبیری تعدادی که برای شیوه و تکنیک بازتولید و چاپ دستی مناسب بود را انتخاب کردیم سپس عکسبرداری کرده و فایل‌ها را آماده و مقدمات کار را فراهم کردیم و امسال توانستیم ۲۱ اثر را به تعداد ۳۰ گونه از هر کدام چاپ و آماده کنیم تا اینکه آقای دبیری به هر یک از آثار که علاقه‌مند هستند، کار خاص یا رنگی اضافه کنند و هر کاری که دوست دارند روی آن پیاده کنند. از بین این ۲۱ اثر ۱۴ اثر را آقای دبیری طی دو ماه به تناوب، با مداد رنگی، اکریلیک یا پاستل و با شیوه‌هایی که دوست داشتند به انجام رساندند. همه این آثار با همان تکنیک و کیفیتی که برای آقای احصابی کار کرده بودیم، فراهم شد. بنابراین ۱۴ اثر در ۳۰ ادیشن داریم که تمامی آثار با هم متفاوتند و این تفاوت در هر ۳۰ ادیشن وجود دارد. ۷ اثر هست که فقط مشکین‌کوب شده و آقای دبیری هم امضا و شماره‌گذاری کرده است. در کنار گزآوری این نمایشگاه، دیدیم این مجموعه و پروژه حیف است که ۲۲ صفحه با بهترین کیفیت ممکن یک کتاب هم در



امیرالله
طراح گرافیک و مدرس دانشگاه



دبیری آثاری شیرین و جذاب دارد

چه کسی است که آثار دبیری را ندیده باشد و عاشق کارهایش نشده باشد. آنقدر کارهای ایشان شیرین و جذاب و دوست‌داشتنی است که همه دوست دارند با خالق آثارش آشنا شوند. یکی از شانس‌هایی که برای من به وجود آمد آشنایی با آقای دبیری بود. وقتی که ایشان را دیدم و شکل کارکردن و فضایی را که ایشان در آن کار می‌کنند دیدم آنقدر این فضا تأثیرگذار است



علیرضا مصطفی‌زاده
طراح گرافیک و مدرس دانشگاه

که انگار به دنیای جدیدی وارد می‌شویم که همان دنیای دبیری است. وقتی جلوی تابلوی دبیری می‌ایستی، نمی‌خواهی از آن دل بکنی و وقتی هم از آن تابلو جدا می‌شوی در ذهنت می‌ماند. رسیدن به این حد از سادگی بسیار سخت است. زمانی که آثار دبیری را می‌بینیم تازه معنای عبارت سهل و ممتنع را می‌فهمیم. شاید در یک نگاه بعضی از کارهای ایشان را فکر کنیم دو سه دقیقه بیشتر طول کشیده و حتی تعبیر کنیم خیلی کار آسانی است. اما وقتی یک بار امتحان کنیم، می‌بینیم اصلاً امکانپذیر نیست. این سادگی حاصل یک پختگی بسیار است و با صرف سال‌ها وقت و انرژی و عشق و کار به وجود می‌آید و اصلاً چیز ساده‌ای نیست که بشود به این حد از کمال و پختگی رسید. این جذابیت کارهای آقای دبیری که همیشه شیفته آثارشان بودم با دیدن ایشان از نزدیک دوچندان شد.